



## Feasibility of Reactive Prevention Caused by the Use of Illegal Performance Enhancing Drugs by Athletes in Iran's Criminal Law

Reza Haselkhah  
Jafarabadi \*

Master of Criminal Law and  
Criminology, Faculty of Law and Political  
Science, Department of Law, Allameh Tabataba'i  
University, Tehran, Iran.

### Abstract

Despite the harmful consequences of using illegal performance-enhancing drugs in health, today the use of these drugs by athletes is very widespread. However, the use of these drugs in Iran, unlike many countries, is not considered a criminal behavior in the criminal laws, so that the fear of punishment prevents athletes from using these drugs. The purpose of this research is to investigate the effect of reactive prevention on the prevention of the use of performance-enhancing drugs by athletes. For this purpose, the present research investigated the feasibility of reactive prevention of the use of illegal performance-enhancing drugs by examining the basics and challenges of criminalization. The results of the research showed that reactive prevention is compatible with legitimate principles such as the principle of harm and legal paternalism; but due to the existence of practical challenges and theoretical challenges in criminalizing, the use of performance-enhancing drugs, such an action is not able to provide the basic goal of establishing a law (criminalization) which is a desirable and effective implementation. On the other hand, considering that nowadays in most countries, the main emphasis in fighting against the use of performance-enhancing drugs is on growth-oriented and community-oriented prevention, therefore, reactive (criminal) prevention cannot be a desirable preventive solution.

**Keywords:** criminal prevention, performance enhancing drugs, legal paternalism

Received: 31/December/2023

Accepted: 19/February/2024

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

## امکان‌سنجی پیشگیری واکنشی ناشی از مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز به‌وسیله ورزشکاران در حقوق کیفری ایران

رضا حاصل‌خواه

جعفر آبادی \*

کارشناسی ارشد حقوق جزا جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

### چکیده

با وجود پیامدهای زیان‌بار مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز در سلامتی، امروزه مصرف این داروها توسط ورزشکاران بسیار گسترش یافته است. برخلاف بسیاری از کشورها، تاکنون مصرف چنین داروهایی در ایران به‌عنوان یک رفتار مجرمانه در قوانین جزایی پیش‌بینی نگردیده است تا بتوان به‌وسیله ارباب ناشی از مجازات، مانع از درگیری کنشگران ورزشی در مصرف این داروها شد. هدف از پژوهش حاضر آن است تا بررسی نماید که پیشگیری واکنشی از مصرف داروهای نیروزا از طریق عقوبت و سزادهی کنشگران ورزشی، تا چه اندازه می‌تواند برای کنترل مصرف داروهای نیروزا مطلوب باشد. بدین منظور، پژوهش حاضر با بررسی مبانی و چالش‌های موجود در جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزا و همچنین، دقت در یافته‌های تجربی سایر پژوهش‌ها در این حیطه به روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی، به امکان‌سنجی پیشگیری واکنشی از مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد، اگرچه پیشگیری واکنشی با مبانی مشروعی نظیر اصل ضرر و پدرسالاری حقوقی، همسو و هماهنگ است اما با توجه به چالش‌های عملی و نظری بر سر راه جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزا، چنین اقدامی قادر نیست هدف اساسی از وضع قانون (جرم‌انگاری) را که همان اجرای مطلوب و مؤثر است، تأمین نماید. از سوی دیگر، با توجه به اینکه امروزه در اکثر کشورها تأکید اساسی در مبارزه با مصرف داروهای نیروزا بر پیشگیری رشد‌مدار و جامعه‌مدار است، لذا پیشگیری واکنشی (کیفری) نمی‌تواند یک راهکار پیشگیرانه مطلوب باشد.

**کلیدواژه‌ها:** پیشگیری کیفری، داروهای نیروزا، پدرسالاری حقوقی

## درآمد

استفاده از داروهای افزایش‌دهنده عملکرد غیرمجاز<sup>۱</sup> در بین ورزشکاران با هدف بالا بردن عملکرد ورزشی به طرز قابل توجهی افزایش یافته که علاوه بر سلامتی، بازی منصفانه را که آرژانس جهانی مبارزه با دوپینگ از آن به‌عنوان روح ورزش یاد کرده است، با خطر جدی مواجه می‌سازد (Geeraets, 2018). این در حالی است که صرفاً ورزشکاران حرفه‌ای یا ورزشکارانی که قصد مشارکت در فضایی رقابتی، آن هم در سطوح ملی و یا بین‌المللی را دارند، با سیستم ضد دوپینگ وادار و ضمانت اجرای آن درگیر هستند و ورزشکاران غیرحرفه‌ای و تفریحی از این سیستم به‌طور کلی کنار گذاشته شده‌اند؛ درحالی که جامعه درگیر با داروهای نیروزا و زیان‌بار، غالباً همین افرادند. به عبارتی، اگرچه مشکل دوپینگ در ورزش عمدتاً مربوط به ورزشکارانی است که در سطوح بالا رقابت می‌کنند اما به نظر می‌رسد استفاده گسترده از داروهای نیروزا به سطوح پایین‌تر یعنی ورزشکاران غیرحرفه‌ای نیز سرایت کرده است. استفاده و سوءاستفاده از این داروها، پیامدهای جدی در سلامتی ازجمله مرگ و عوارضی از قبیل اختلال در نظم هورمونی به دلیل مصرف مواد هورمونی، اختلال سیستم اعصاب مرکزی، ناهنجاری‌های جنسی، بیماری‌های قلبی، اختلالات شنوایی، ناباروری، ریزش مو، آکنه، اختلالات رفتاری، سرطان کبد و افزایش آنزیم‌های کبدی را به دنبال دارد (Kabiri et al., 2018). علی‌رغم وجود این پیامدها، مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز در ایران برخلاف کشورهایی مانند آلمان و ایتالیا در قلمرو قوانین کیفری وارد نگردیده و جرم شناخته نمی‌شود (Palmi, 2019). امروزه، مصرف داروهای نیروزا صرفاً در چارچوب حقوق انضباطی ورزش مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و دامنه حقوق جزا هنوز به استفاده از داروهای نیروزا تسری نیافته است؛ بنابراین، می‌توان گفت در خصوص مقوله مصرف داروهای نیروزا آن هم در سطح ورزشکاران حرفه‌ای، تنها فدراسیون‌های ورزشی و یا نهادهای ضد دوپینگ هستند که به نوبه خود مبادرت به وضع آیین‌نامه‌های انضباطی نموده و متخلف را به لحاظ انضباطی تعقیب و تنبیه می‌کنند. لذا باید گفت این پدیده «جرم کیفری» نیست بلکه یک «جرم انضباطی» و «تخلف صنف» بوده که در ایران، فدراسیون‌ها و یا نهادهای ضد دوپینگ در چارچوب حقوق انضباطی ورزش، با متخلفان از این مقررات رسیدگی می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ص ۳۲۲).

حال، با توجه به عدم پیش‌بینی مصرف داروهای نیروزا در قوانین جزایی ایران به‌عنوان یک جرم و همچنین، ترکیب جوانی جمعیت کشور (حبیبی، ۱۳۹۴، ص ۲۳)، رشد سریع باشگاه‌های پرورش اندام، ورود انواع داروهای نیروزای غیرمجاز به بازار، امکان دسترسی سریع و آسان به آنان و وجود مافیای در این حوزه و عوارض غیرقابل جبران استفاده از این داروها، پژوهش حاضر تلاش دارد بررسی نماید که پیشگیری واکنشی (کیفری) تا چه اندازه می‌تواند در کنترل مصرف داروهای نیروزا توسط کنشگران ورزشی مطلوب و مفید باشد. جرم‌شناسی در یک دسته‌بندی کلی، به جرم‌شناسی کاربردی (عملی) و جرم‌شناسی نظری تقسیم می‌گردد (ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۹). جرم‌شناسی کاربردی دارای سه شعبه است:

۱- الف) جرم‌شناسی تکنیک‌های حقوق کیفری (حقوقی) و ب) سیاست جنایی

۲- پ) جرم‌شناسی بالینی

۳- ت) جرم‌شناسی پیشگیرانه

۱. داروهای نیروزا و یا افزایش‌دهنده عملکرد غیرمجاز، داروهای محرک غیرطبیعی‌ای هستند که جهت بهبود عملکرد ورزشی استفاده می‌شوند. دو گونه رایج و متداول از این دسته داروها: ۱. استروئیدهای آنابولیک و ۲. هورمون‌های رشد مصنوعی انسانی هستند. داروهایی مانند اکسی متولون و ناندrolون که برای حجیم کردن عضلات، تقویت نیروی بدنی و فعالیت‌های غیر هوازی مصرف می‌شوند، ازجمله استروئیدهای آنابولیک به شمار می‌روند. هورمون رشد انسانی توسط غده هیپوفیز در مغز ما تولید می‌شود و بر قد، طول استخوان و رشد ماهیچه‌ها اثرگذار است. برخی از افراد از هورمون رشد مصنوعی مانند سوماتروپین سوءاستفاده نموده و بر این باورند که به آن‌ها کمک می‌کند تا اندازه و قدرت عضلاتشان را افزایش دهند.

جرم‌شناسی پیشگیرانه را که محور اساسی پژوهش حاضر است، می‌توان مطالعه ابزار و وسایل علمی پیشگیری از انحراف و بزه‌کاری و همچنین، آخرین شاخه از جرم‌شناسی کاربردی دانست (ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۹). این گرایش و شاخه از جرم‌شناسی کاربردی همواره در پی تعیین اثربخش‌ترین روش‌های پیشگیری از انحراف به لحاظ علمی است که امکان دارد در سطح یک کشور، شهر یا محله به کار گرفته شود. در این شاخه از جرم‌شناسی، ما با هدف متوقف ساختن جرم در آستانه یا نزدیک به ارتکاب و وقوع اقدام می‌کنیم. جرم‌شناسی پیشگیری که سومین شاخه از جرم‌شناسی کاربردی است، در یک دسته‌بندی کلی و مطابق با معیار زمان مداخله به دو گونه پیشگیری کنشی و پیشگیری واکنشی تقسیم می‌گردد (دادبان و آقایی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۳). پژوهش حاضر تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که آیا پیشگیری واکنشی (کیفری) از مصرف داروهای نیروزا می‌تواند یک اقدام پیشگیرانه مطلوب و مفید باشد و مانع از مصرف داروهای نیروزا توسط ورزشکاران گردد؟

## ۱- مفاهیم و اصطلاحات

### ۱-۱- ورزشکار حرفه‌ای

بر اساس مجموعه قوانین ایران نادو، ورزشکار حرفه‌ای و یا نخبه کسی است که در یک تیم ورزشی رقابتی و یا به صورت انفرادی بازی و رقابت می‌کند؛ حداقل یک روز در هفته تمرین با شدت بالا و رقابتی داشته و برای تیم‌ها در سطح ملی، بین‌المللی، دانشگاهی، رویدادها و رقابت‌های سازمان‌یافته و یا به رسمیت شناخته شده توسط فدراسیون ملی یا میزبانی آن رقابت می‌کند (حاصل‌خواه جعفرآبادی، ۱۴۰۲، ص ۱۷).

### ۱-۲- ورزشکار تفریحی

بر اساس مجموعه قوانین ایران نادو، ورزشکار تفریحی و یا غیرحرفه‌ای، هر شخصی است که برای اهداف تفریحی در فعالیت‌های ورزشی یا تناسب‌اندام مشارکت دارد اما در رقابت‌ها یا رویدادهای سازمان‌یافته و به رسمیت شناخته شده توسط فدراسیون ملی، یا به میزبانی آن یا توسط هر انجمن وابسته یا غیر وابسته، سازمان، باشگاه، تیم یا لیگ، شرکت نمی‌کند (حاصل‌خواه جعفرآبادی، ۱۴۰۲، ص ۱۷).

### ۱-۳- پیشگیری کنشی

پیشگیری کنشی عبارت است از روش‌ها و تدابیری که پیش از ارتکاب جرم و یا حتی پیش از بروز زمینه‌های ارتکاب جرم به کار گرفته می‌شوند تا بتوانند از درگیر شدن افراد در جرم پیشگیری به عمل آورند. در این گونه از پیشگیری، تلاش و تأکید اساسی بر این است تا عواملی که موجب شکل‌گیری بزه‌کاری می‌گردند، شناسایی شده و از بین بروند. در پیشگیری کنشی، تلاش است تا با استفاده از شیوه‌های تربیتی (فردمدار)، اجتماعی و فرهنگی (جامعه‌مدار) و همچنین، تغییرات محیطی (موقعیت‌مدار)، افراد را از بزه‌کاری و شکل‌گیری تفکرات مجرمانه بازدارد. درواقع، پیشگیری کنشی (غیر کیفری) درصدد است تا عوامل و علل ریشه‌ای وقوع جرم را با تأکید بر راهکارهای غیر کیفری، پیش از وقوع جرم درمان کند (ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۲۰).

پیشگیری کنشی سه بخش نسبتاً متمایز دارد: ۱. رشدمدار (زودرس)، ۲. جامعه‌مدار (اجتماعی) و ۳. موقعیت‌مدار.

#### ۴-۱- پیشگیری واکنشی (کیفری)

فرد به علت عقوبت و سزادهی و همچنین، احتمال مجازات شدن از مشارکت در رفتارهای مجرمانه و انحرافی پرهیز می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت، پیشگیری واکنشی از طریق در نظر داشتن و به‌کارگیری ابزارهای سخت و مشقت‌بار جزایی درصدد است از وقوع جرم پیشگیری کند. به عبارت دیگر، پیشگیری واکنشی تلاش دارد با بهره‌گیری از سازوکارهای سیستم عدالت کیفری و از طریق اعمال کیفر پس از ارتکاب جرم، در قالب یک واکنش از بزه‌کاری پیشگیری کند (دادبان و آقایی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۳). لازم به ذکر است که همه انواع پیشگیری‌های واکنشی، کیفری و یا قهرآمیز نبوده و برخی از آنان غیر کیفری هستند، مانند پیشگیری سوم از پیشگیری‌های سه‌گانه که خود نیز گونه‌ای پیشگیری اجتماعی در سطح کلان است اما به سبب اینکه اقدامات لازم برای پیشگیری از تکرار جرم پس از ارتکاب جرم و بروز دخالت خطرناک صورت می‌گیرد، می‌توان آن را گونه‌ای از پیشگیری واکنشی ناکیفری دانست.

#### ۲- پیشگیری واکنشی (کیفری) از مصرف داروهای نیروزا

با توجه به اینکه تاکنون مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز در ایران وارد قلمرو قوانین کیفری نشده است و این رفتار اساساً جرم نیست و صرفاً برای ورزشکاران حرفه‌ای آن هم در صورت اثبات، ضمانت اجرای انضباطی از جنس محرومیت و سلب مدال و افتخار را در بر دارد (محموظی، ۱۳۹۸، ص ۳)، باید بررسی نمود که جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز و وارد نمودن این رفتار در قلمرو قوانین و مقررات کیفری، تا چه اندازه می‌تواند به‌عنوان یک راهکار پیشگیری عام کیفری، مانع از تمایل ورزشکاران به استفاده از این داروها گردد. به‌علاوه، باید بررسی نمود که مبانی اساسی جرم‌انگاری مانند اصل ضرر و پدرسالاری حقوقی برای جرم قلمداد نمودن چنین رفتاری مهیا و فراهم است یا خیر؟ چنانچه پاسخ مثبت است، جرم‌انگاری چنین رفتاری با چه چالش‌های عملی و نظری مواجه است؟ پژوهش حاضر درصدد است در جهت امکان‌سنجی پیشگیری واکنشی از مصرف داروهای نیروزا و ارائه پاسخ به پرسش‌های مذکور در مباحث آتی، ابتدا به اصول و مبانی جرم‌انگاری بپردازد و سپس، برخی از چالش‌های عملی و نظری جرم‌انگاری در این حیطه را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

#### ۲-۱- اصل ضرر در جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزا

هر نظام و سیستم کیفری به‌منظور جرم‌انگاری رفتاری و به عبارت دیگر برای محدودسازی قلمرو آزادی‌های فردی و آزادی رفتار شهروندان، لازم است به توجیه این عناوین بپردازد. در بین مبانی و اصول جرم‌انگاری، تنها اصل و مبنایی که میزان حداقلی مداخله دولت را تجویز می‌کند، اصل ضرر است (جانکی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۸). این اصل در معنای منع ورود ضرر نسبت به دیگران در اکثر سیستم‌های حقوقی با استدلال‌هایی کم‌وبیش نزدیک و مشابه با یکدیگر پذیرفته شده است. غایت این اصل، صیانت و حراست از حریم خصوصی در برابر مداخلات دولت است (هادی تبار و مهری، ۱۳۹۸، ص ۲۱۶). خارج ساختن اعمال غیر زیان‌بار برای دیگر افراد از محدوده اقتدار و مداخلات دولتی، به‌صورت طبیعی منجر به شکل‌گیری حریم خصوصی خواهد شد. نتیجه به‌کارگیری این اصل آن است که چنانچه رفتار و اعمال، مستلزم ورود ضرر به دیگران باشد، گرچه در محیطی خصوصی رخ دهد، سزاوار جرم‌انگاری است. فاینبرگ در تعریف این اصل می‌گوید: «اصل ضرر عموماً علت مناسبی برای حمایت قانون‌گذار کیفری است که به نحو تأثیرگذاری سبب دفع و یا کاهش ضرر به افرادی به‌جز خود فاعل فعل می‌گردد و احتمالاً به‌جز جرم‌انگاری، هیچ راه دیگری که تأثیری برابر داشته، آن هم در شرایطی که هزینه بیشتری نداشته باشد، وجود ندارد» (محموظی، ۱۳۹۸، ص ۴۰).

به عقیده فاینبرگ، اصل ضرر، ضررهای وارده به خود فاعل را در بر نمی‌گیرد بلکه صرفاً شامل ضررهای وارده به دیگران است. لازم به ذکر است، ایجاد مرز میان رفتارهایی که تنها به خود فاعل آسیب می‌رساند و سایر رفتارهایی که موجب ورود آسیب به دیگران است، چندان ساده و راحت نیست چراکه فقط این گونه نیست که آثار رفتار فاعل تنها به خود او بازگردد بلکه قادر است سایر افراد درون جامعه را نیز متأثر سازد. برای مثال، فردی که بی‌مبالاتی نموده و با وجود نقص فنی در سیستم ترمز اتومبیل خود، آن را به حرکت در آورده، در صورت تصادف، آسیب ایجاد شده تنها به خود او باز نمی‌گردد بلکه خانواده او نیز دردمند و اندوهگین می‌شوند (جانکی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۹).

ضرر در مصرف داروهای نیروزا ممکن است در ظاهر متوجه فاعل و یا کنشگر ورزشی باشد اما در حقیقت، آثار و آسیب آن متوجه دیگران نیز می‌گردد. با این وصف لازم است برای تعیین و تبیین دقیق نوع ضرر و کیفیت آن، ضرر حاصل از دوپینگ را در میابین دو گروه از افراد بررسی کنیم؛ ابتدا ورزشکارانی که در سطوح ورزش حرفه‌ای و رقابتی اقدام به استفاده از داروهای نیروزا می‌کنند و سپس، مصرف داروهای نیروزا توسط ورزشکارانی که متعلق به فضای رقابتی نیستند و اصطلاحاً از آنان تحت عنوان ورزشکار تفریحی یاد می‌گردد.

استعداد یک کنشگر ورزشی رقابتی و حرفه‌ای در جهت کسب امتیاز و مدال، بر مبنای توانایی‌های جسمی و روحی او سنجیده می‌شود (محموظی، ۱۳۹۸، ص ۴۷). ورزشکار متقلبی که با استفاده از داروهای نیروزای غیرمجاز موفق به غلبه بر سایر رقبایان شده، منافع مالی و اقتصادی فراوانی به دست می‌آورد که در فرض متعهد بودن او به بازی جوانمردانه و عدم استفاده از داروی نیروزا، شاید منافع یاد شده به رقیب پاک و سالم او می‌رسید. از این رو، ورزشکاری که با مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز مانع از دستیابی رقیب خود به مدال طلا شده است، عمل او متضمن ورود نوعی ضرر سنگین اعم از اضرار مادی و معنوی به ورزشکار رقیب بوده و امکان جرم‌انگاری رفتار او و وارد ساختن چنین رفتاری در قلمرو قوانین کیفری از این منظر وجود دارد.

حال پس از بررسی مباحث مربوط به چگونگی وارد ساختن ضرر به دیگران از طریق دوپینگ توسط ورزشکاران حرفه‌ای، لازم است بررسی گردد که شرط لازم و ضروری اصل ضرر تحت عنوان "لزوم ورود ضرر به شخصی جز فاعل" در مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز توسط ورزشکاران تفریحی وجود دارد یا خیر؟

با توجه به اینکه ورزشکاران تفریحی و غیر حرفه‌ای در رقابت و مسابقه‌ای مشارکت ندارند، فاقد رقیب هستند و استفاده از داروهای نیروزا توسط آنان سبب ورود ضرر یا زیان مادی و یا معنوی به دیگران نخواهد شد. بدین ترتیب، در ظاهر شاید مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز توسط ورزشکاران تفریحی موجب ورود زیان به کسی نگردد و تنها زیان و آسیب جسمانی را برای خود فرد مصرف کننده در پی داشته باشد اما می‌توان گفت آسیب‌هایی که فرد در نتیجه تقصیر بر خود وارد می‌آورد، سبب تحمیل هزینه و زیان‌های فراوانی بر او و خانواده او می‌گردد و در بسیاری از موارد به گرانی نرخ بیمه نیز می‌انجامد. همچنین، این امر باعث آسیب به توسعه جامعه سالم می‌گردد؛ بنابراین، می‌تواند متضمن ضرر برای منافع عمومی نیز باشد. نتایج پژوهش صورت گرفته در رابطه با تأثیر مصرف داروهای نیروزا بر بروز پرخاشگری حاکی از آن است که ورزشکاران آماتور بیشتر از ورزشکاران حرفه‌ای از داروهای نیروزا سوءاستفاده می‌کنند؛ داروهای مورد استفاده توسط ورزشکاران آماتور شامل اکسی متولون، دیانابول، دگزاتازون، متیل تستوسترون و ناندربولون دکانات است؛ رابطه معناداری بین مصرف داروهای افزایش دهنده عملکرد ورزشی و افسردگی وجود ندارد اما رابطه معناداری میان دوپینگ با اضطراب و پرخاشگری در ابعاد فیزیکی، کلامی و خشم وجود دارد (Sharifi et al., 2015). با این وصف می‌توان گفت، مصرف داروهای نیروزا توسط ورزشکاران تفریحی نیز می‌تواند ضرری احتمالی برای دیگران داشته باشد و سلامت جامعه را نیز مختل نماید. با توجه به اینکه صیانت و حفاظت از سلامت جامعه در راستای منافع عمومی است، این نفع عمومی می‌تواند محملی برای جرم‌انگاری مصرف

داروهای نیروزای غیرمجاز توسط ورزشکاران غیرحرفه‌ای باشد (Ioannidis, 2017). البته، اعمال اصل ضرر و توجیه مداخلات کیفری دولت و محدود نمودن آزادی‌های فردی، منوط به فقدان تدابیر و اقدامات جانشینی است که در مقایسه با مداخلات کیفری در همان حالت و میزان حداقل، تأثیری برابر داشته و به‌گونه‌ای باشد که هزینه‌های آن بیش از مداخلات کیفری نباشد.

## ۲-۲- اصل پدرسالاری حقوقی در جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزا

پدرسالاری از کلمه "پدر" مشتق گرفته شده که در معنا و مفهوم «همانند یک پدر رفتار کردن» است (نوبهار، ۱۴۰۱، ص ۳۷۴). پدرسالاری یعنی اقدام به خیر و صلاح دیگران بدون رضایت ایشان آن‌طور که پدر برای فرزند خود عمل می‌کند. به عبارتی، هرگاه رفتار و یا ترک رفتاری را برخلاف مصلحت آنان یا به ضرر آنان ببیند، آنان را از انجام و یا ترک آن باز می‌دارد. این فرایند می‌تواند مبتنی بر اجبار باشد (نوبهار، ۱۴۰۱، ص ۳۷۵). در معنای مصطلح سیاسی، پدرسالاری یعنی خودداری و جلوگیری حکومت از زیان رساندن افراد به خود. در این مفهوم، دولت قادر است همانند و به‌مثابه پدر برای جامعه، مردم و حکمران را نه فقط از انجام اموری که به زیان دیگران است، به اجبار بازدارد بلکه چنانچه رفتار آنان نیز مضر به حال خودشان باشد، آنان را از انجام آن به اجبار بازدارد (بیگی و شیرمحمدی، ۱۳۹۸، ص ۷۳). در مورد مشروعیت این اصل، اختلاف‌نظرهای بسیاری در بین اندیشمندان وجود دارد.

به نقل از جان استوارت میل: «اگر انسان‌ها بتوانند تحمل کنند که همه مطابق با میل و خواسته خود زندگی کنند، به مراتب بهتر از آن است که دیگری آنان را مجبور سازد تا به شیوه‌ای که دیگران صلاح می‌دانند، زندگی کنند». لازم به ذکر است که جان استوارت میل از شیوه و شکل نرم و ملایم پدرسالاری حقوقی دفاع می‌کند که به‌موجب آن، دولت قادر است به نحوی مشروع آزادی را محدود کند تا مانع از رفتار آسیب‌زای فرد نسبت به خود گردد، مشروط بر اینکه فاعل، قابلیت تأمل و تفکر عقلانی نداشته باشد. با این وصف، این شیوه از پدرسالاری قانونی ملایم و نرم، تنها پیشگیری از اعمالی را اجازه می‌دهد که در آن فاعل بدون آگاهی و از روی عدم آشنایی نسبت به شرایط رفتاری خود، مرتکب عمل مضر به حال خود می‌شود.

چو کاری بی‌فضول من برآید      مرا در وی سخن گفتن نشاید  
و گر بینم که نابینا و چاه است      اگر خاموش بنشینم گناه است<sup>۱</sup>

پس از بررسی اصل پدرسالاری باید گفت، پدرسالاری حقوقی، زاییده دولت و حکومت‌های توتالیتر، مذهبی و محافظه‌کار است. در سیستم‌های لیبرال، گرچه در اصل تئوری و به‌صورت رسمی این شیوه از قانون‌گذاری رد شده است اما می‌توان آثار آن را تحت عنوان پدرسالاری مثبت یافت (جانکی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۲). با این حال، افزون بر ارتباط وثیق و محکم تاریخی این شیوه از قانون‌گذاری کیفری با نظریه دولت، نمی‌توان تمام اشکال آن را رد کرد. به نظر می‌رسد قانون‌گذاری مبتنی بر این شیوه، علاوه بر بعضی مؤلفه‌های یادشده، نیازمند عاملی دیگر بوده که همان میزان توسعه و رشد فرهنگی و آموزشی مردمی است که قرار است بر اساس این اصل محدود شوند. شاید بتوان این‌چنین نظر داد که با جمع همه شرایط، ایجاد محدودیت توسط دولت در موارد و اشکال خاص ملایم و ضعیف پدرسالاری مجاز است (بیگی و شیرمحمدی، ۱۳۹۸، ص ۷۴). با وجود این، شیوه و میزان استفاده از اصل پدرسالاری حقوقی در هر جامعه‌ای حسب شرایط آن جامعه، متفاوت است. در جامعه‌ای که به‌واسطه فقدان آگاهی افراد از قواعد زندگی اجتماعی و قوانین، حوزه آزادی خود را چنان گسترده می‌بیند که به‌راحتی هر رفتاری را که به خودشان آسیب می‌رساند، انجام می‌دهند، مسئولیت دولت به مراتب بالاتر از جامعه‌ای است که به قواعد زندگی اجتماعی و قانون و

۱. فروغی، محمدعلی. (۱۳۲۰). کلیات سعدی. تهران: چاپخانه بروخیم. ص ۵۵.



خطرات ناشی از نقض آن آگاه‌اند (جانکی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۵). این امر کاملاً درست به نظر می‌رسد که دولت و حاکمیت قادر است با توسعه رشد فرهنگی و آموزشی، سطح هوشیاری مردم را در جهت تشخیص نفع و مصلحت خود ارتقاء دهد اما تا آن هنگام، ایجاد قواعد و قوانینی برای بازداشتن از اعمالی که موجب ایراد صدمه به خودشان می‌گردد، ضروری و لازم است (نوبهار، ۱۴۰۲، ص ۳۷۵)؛ گرچه در اکثر موارد شیوع چنین اضرائی علیه خود، آسیب به جامعه سرایت می‌کند. برای مثال، ممکن است بسیاری از افراد علاقه‌ای به گذاشتن کلاه ایمنی نداشته باشند و یا آنکه بخواهند داروهای مضر همانند داروهای نیروزا را به خود تزریق کنند و یا اعمال دیگری از این دست انجام دهند. در این حالت دیگر نمی‌توان استدلال نمود که دخالت دولت در آزادی و ایجاد محدودیت برای پیشگیری از رفتاری که به کلیت جامعه آسیب می‌رساند، نامشروع و یا غیرمجاز است چراکه در این دو مثال به تدریج توسعه جامعه سالم مختل گردیده و از طرفی، هزینه‌های بیمه درمان و حوادث شخصی برای عموم مردم افزایش می‌یابد.

باید بررسی شود که آسیب مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز برای ورزشکاران چه اندازه است و آیا می‌توان با

استناد به این ضرر و با توسل به پدرسالاری حقوقی، مبادرت به جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزا نمود؟

نگارنده در پژوهشی بیان می‌کند که در خصوص اثرات زیان‌بار این داروها برای سلامتی، شواهد علمی دقیقی وجود ندارد و هنوز علم پزشکی قادر به ارائه شواهد علمی قابل اعتنا راجع به اینکه این داروها بر سلامت قلب اثر منفی ایجاد می‌کند، نبوده است. با این تفسیر و همچنین، خلاف اصل بودن پدرسالاری حقوقی از حیث محدودیت‌های ایجادکننده بر آزادی فردی، به نظر می‌رسد آسیب‌های دوپینگ به حدی نیست که قابل جرم‌انگاری به استناد این اصل باشد (محموظی، ۱۳۹۸، ص ۶۰) اما این تفسیر چندان صحیح به نظر نمی‌رسد چراکه نتایج پژوهشی که در سال ۲۰۱۶ بر روی اثرات قلبی و عروقی داروهای افزایش‌دهنده عملکرد صورت گرفت، نشان می‌دهد که داروهای افزایش‌دهنده عملکرد ممکن است با تغییر مستقیم میوکارد، عروق و متابولیسم، بر سیستم قلبی عروقی تأثیر بگذارند. علاوه بر این، پتانسیل ناشی از توانمندسازی ورزشکاران برای فراتر رفتن از حد طبیعی توان فیزیولوژیکی خود، در اثر مصرف داروهای نیروزا که به پیامدهای بالقوه آریتمی‌های قلبی ناشی از ورزش منجر می‌گردد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است (LaGerche & Brosnan, 2016). در ضمن، یک پژوهش نشان می‌دهد که مصرف استروئیدهای آندروژنیک آنابولیک نظیر تستسترون آنانات، ناندربولون، دیانابول و غیره در میان ورزشکاران حرفه‌ای و تفریحی به شدت افزایش یافته است که با عوارضی مانند افزایش قطر دیواره بطن‌ها، تخریب بافت عضلانی قلب، افزایش غیرطبیعی تعداد گلبول‌های قرمز خون، نارسایی کبدی، ناباروری، سرطان پروستات، آریتمی قلبی، خطر مرگ ناگهانی و غیره همراه خواهد بود (Sharifi et al., 2015).

با این تفسیر نمی‌توان گفت استفاده از داروهای نیروزای غیرمجاز برای سلامت جسمانی کنشگران ورزشی آسیبی به همراه ندارد و یا آنکه شواهدی علمی در این رابطه ارائه نشده است. باید گفت اصل پدرسالاری حقوقی علی‌رغم استثناء و خلاف اصل بودنش و لزوم استفاده حداقلی از آن با توجه به محدودیت‌هایی که در آزادی‌های فردی ایجاد می‌کند، می‌تواند محملی برای جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز باشد چراکه ورزشکاران با توجه به اینکه اغلب آنان از آسیب‌های این داروها آگاه نیستند، با استفاده از این داروها مبادرت به وارد نمودن آسیب به خودشان نموده که ورود ضرر و آسیب از این حیث ثابت و قطعی است و شکی در آن وجود ندارد.

## ۳-۲- امکان‌سنجی پیشگیری واکنشی (کیفری) از مصرف داروهای نیروزا

جرم‌انگاری هر عمل و رفتار، علاوه بر لزوم و ضرورت برخورداری از مبانی‌ای که موجب مشروعیت جرم‌انگاری می‌شود، نیازمند اثبات ضرورت است. به عبارت دیگر، ابتدا باید بررسی گردد که بر اساس چه اصول و مبانی مشروعی



(اصل ضرر، اصل پدرسالاری)، جرم‌انگاری یک رفتار و وارد نمودن آن در قلمرو قوانین کیفری امکان‌پذیر است. سپس بایست بررسی گردد که آیا ضرورت جرم‌انگاری نیز وجود دارد تا دولت را به جرم‌انگاری رفتاری قادر سازد؟ به بیان دیگر، قاعده کیفری وقتی شروع می‌شود که به سبب اصول معتبری مانند اصل ضرر و پدرسالاری حقوقی مشروعیت یابد اما وجاهت آن متوقف بر مفید و مطلوب بودن آن از جهات مختلف است. تلاش است با پرداختن به برخی از چالش‌ها در مباحث پیش رو، دریابیم که جهاتی برای مطلوبیت جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزا فراهم است یا خیر؟ بدین منظور، ابتدا چالش‌های نظری مانند ۱. بازدارندگی و ۲. تبدیل مسئولیت مطلق به مسئولیت عمدی و سپس، چالش‌های عملی مانند ۱. تورم کیفری و ۲. عدم امکان کشف جرم بررسی می‌گردد.

### ۱-۳-۲- چالش نظری بازدارندگی

در جوهر و اساس هرگونه جرم‌انگاری، نوعی ممنوعیت نهفته است که نقض آن ممنوعیت، فرد را با کیفر و مجازات روبرو می‌سازد. نفس این کیفر، محدودیتی در آزادی فردی بوده که می‌بایست چارچوبی با سنجه و معیار مشخص برای محدودیت در آزادی فردی وجود داشته باشد. یکی از این سنجه‌ها، اصل کمینه حقوق کیفری یا همان اصل آخرین راه‌حل بودن جرم‌انگاری است. بر اساس این اصل، در مواجهه با رفتارهای نابهنجار، جرم‌انگاری و مداخله کیفری، آخرین ابزار است.

کیفر در نفس خود مستلزم نوعی ابراز خشم و همچنین، محدودیت در آزادی فردی است که ضرورت می‌نماید هرگونه جرم‌انگاری و کیفرگذاری همواره مبتنی بر ادله‌ای موجه باشد (نوبهار، ۱۴۰۲، ص ۳۷۶). یکی از دلایلی که قادر است اثبات کند که جرم‌انگاری آخرین چاره و ابزار است، اثبات عدم بازدارندگی ابزارهای غیر کیفری در دسترس و همچنین، اثبات بازدارندگی ضمانت اجرای کیفری است.

حال، اولین امری که باید در بحث چالش‌های نظری مدنظر قرار گیرد، بازدارندگی است. به بیان دیگر، باید دید که آیا ضمانت اجرای انضباطی فعلی برای ورزشکاران حرفه‌ای، بازدارندگی و ارعاب کافی را به همراه ندارد تا به جای آن، ضمانت اجرای کیفری را جهت کنترل و پیشگیری پیشنهاد کنیم؟

یکی از مواردی که در باب میزان بازدارندگی ضمانت اجرای انضباطی باید مدنظر قرار گیرد، پژوهشی است که در آن از کنشگران ورزشی این امر مورد پرسش قرار می‌گیرد که کسب مدال و اول شدن، چه میزان برای شما اهمیت دارد؟ نتایج نشان داد که تقریباً نیمی از ورزشکاران مشارکت‌کننده در مصاحبه اعلام کردند؛ چنانچه استفاده از داروهای نیروزای غیرمجاز کسب مدال و موفقیت ما را تضمین کند، حتی آمادگی فوت پس از گذشت پنج سال از پیروزی را داریم (Mirkin, 1984). با این تفسیر و مطابق این پژوهش، نیمی از ورزشکاران حاضر بودند با استفاده از داروهای نیروزای غیرمجاز پیروز شوند، گرچه قرار باشد پنج سال بعد بمیرند! در پژوهشی دیگر که در بین ۱۸ ورزشکار دوپینگ صورت گرفت، یکی از مسائلی که این ورزشکاران باور داشتند موجب دوپینگ آنان می‌گردد، خواست مردم بود (محفوظی، ۱۳۹۸، ص ۶۴). مردم همواره از ورزشکاران انتظار دارند رکوردی شکسته شود تا مشاهده این رقابت را برای آنان جذاب کند. در برخی موارد، شکستن رکورد جز از طریق دوپینگ امکان‌پذیر نبوده و اصلاً کار راحتی نیست. در این پژوهش طبق پاسخ شرکت‌کنندگان، تاکنون ضمانت اجرایمانند جریمه و محرومیت نتوانسته است مانع از دوپینگ آنان گردد. با این تفسیر می‌توان گفت، ضمانت اجرای در نظر گرفته‌شده توسط آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ، بازدارندگی کافی و مناسب را برای پیشگیری از مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز ندارد.

در خصوص ورزشکاران تفریحی و غیرحرفه‌ای هم باید بیان داشت، با توجه به اینکه این ورزشکاران از سازوکارهای نظارتی آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ کاملاً کنار گذاشته شده‌اند و ضمانت اجرای انضباطی موجود

صرفاً شامل ورزشکاران حرفه‌ای و رقابتی است، لذا هیچ‌گونه ضمانت اجرایی، ورزشکاران تفریحی را تهدید و ارعاب نمی‌کند تا با سنجش و ارزیابی ریسک رفتارشان (ریسک ادراک شده) از مصرف داروهای نیروزا بازداشته شوند. پس شاید چنین تصور گردد که با توجه به عدم بازدارندگی ضمانت اجرای انضباطی برای ورزشکاران حرفه‌ای و همچنین، عدم وجود همین ضمانت اجرای مورد بحث برای ورزشکاران تفریحی، ضروری است در جهت پیشگیری و منصرف نمودن هر دو گروه ورزشکاران حرفه‌ای و تفریحی از مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز، ضمانت اجرای کیفری متناسبی در نظر گرفته شود. ذکر این نکته ضرورت دارد که به صورت قطعی نمی‌توان گفت وجود ضمانت اجرای کیفری قادر است به عنوان یک عامل بازدارنده، سبب انصراف کنشگران ورزشی از مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز گردد چراکه امروزه در اکثر کشورها و حتی کشورهایی که از الگوی کیفری و سیاست تسامح صفر و یا نزدیک به آن در برخورد با مصرف داروهای نیروزا پیروی می‌کنند، دیده می‌شود که این اقدامات به تنهایی تکافوی کنترل، پیشگیری و مبارزه با مصرف داروهای نیروزا را ندارد. هم‌اکنون، تأکید اصلی و اساسی در مبارزه با دوپینگ و مصرف داروهای نیروزا بر پیشگیری مبتنی بر آموزش و پیشگیری مبتنی بر خانواده و الگوهای تربیتی است (رشدمدار- جامعه‌مدار) است. یکی از این برنامه‌ها، برنامه SAFEYOU بوده که توسط اتحادیه اروپا با همکاری چند دانشگاه اروپایی تأمین می‌شود. برنامه SAFEYOU، مجموعه‌ای از منابع اطلاعاتی و مواد آموزشی بوده که با دقت برنامه‌ریزی شده است. یکی از برنامه‌های این مجموعه، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای ورزشکاران حرفه‌ای و تفریحی به منظور پیشگیری از مصرف داروهای نیروزا است. این برنامه بر یادگیری مسئله محور نیز تأکید دارد. این برنامه قصد دارد ورزشکاران آماتور و حرفه‌ای را مورد توجه قرار دهد و رویکرد یادگیری مبتنی بر مسئله<sup>۱</sup> را ارائه کند (Poppel, 2021).

## ۲-۳-۲- چالش نظری تبدیل مسئولیت مطلق به مسئولیت عمدی

یکی از چالش‌های جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز، تبدیل مسئولیت مطلق به عمدی است. زمانی که قانون‌گذار رفتاری را به سبب جرم‌انگاری وارد قلمرو قوانین جزایی می‌کند، نقض آن با مسئولیت کیفری همراه است (محفوظی، ۱۳۹۸، ص ۶۸). مسئولیت کیفری در معنا و مفهوم، تحمل آثار و عواقب رفتار مجرمانه است. برای تحمل این آثار و عواقب جزایی رفتار، اهلیت جنایی به تنهایی کفایت نمی‌کند بلکه اهلیت مسئولیت کیفری بر پایه اهلیت جنایی، نیازمند وجود تقصیر جزایی عمد و یا تقصیر جزایی غیر عمد جهت برقرار ساختن اسناد معنوی است (موسوی مجاب، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲). امروزه، قوانین کیفری و نظام‌های عدالت کیفری بر این موضوع تأکید بسیار دارند که تحقق مسئولیت کیفری، تنها مبتنی بر فعل یا قصد مجرمانه نیست بلکه تحقق مسئولیت کیفری بر مبنای فعل و قصد مجرمانه بوده که هر یک به منزله رکنی برای آن است. رکن نخست به اعتبار مفهوم، بر ثبوت این مطلب تمرکز دارد که رفتار مجرمانه در عالم خارج و به نحو محسوس واقع گردیده و از سوی دیگر، از قوای جسمانی فاعل یا بزه‌کار صادر شده است. به علاوه، نتیجه مجرمانه در شکل اثر و معلول رفتار مجرمانه (موضوعاً) تحقق یافته است. این مطلب ناظر بر اسناد مادی است اما اسناد معنوی از حیث مفهوم جوهری، ناظر بر تحقق و توافر رابطه معنوی میان شخص مجرم و تمام حوادث و وقایعی است که بنیان و کیان موضوعی جرم را شکل می‌بخشد. با این تفاسیر، ضرورت دارد که برای تحقق مسئولیت کیفری، تقصیر جزایی، اعم از عمد و یا غیر عمد، وجود داشته باشد؛ بنابراین، مسئولیت اثر اسناد معنوی و اسناد معنوی، شرط مسئولیت کیفری (به معنای بالفعل و واقعی آن) محسوب می‌شود (موسوی مجاب، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳).

در خصوص رسیدگی به پرونده‌های مربوط به استفاده از داروهای نیروزای غیرمجاز توسط ورزشکاران حرفه‌ای، مقررات آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ، ضابطه مسئولیت مطلق را در نظر گرفته است؛ به این معنا که همین مقدار کافی است که از طریق آزمایش و نمونه گرفته‌شده از خون یا ادرار ورزشکار، تست او مثبت شود و برای دادگاه از این طریق ثابت گردد که او مرتکب دوپینگ شده است. پس از آن، لزومی برای اثبات تقصیر عمدی و یا تقصیر غیرعمدی در مصرف داروهای نیروزا جهت تحمیل ضمانت اجرای انضباطی آژانس جهانی وجود ندارد. به بیان دیگر، همین که اثبات وجود ماده ممنوعه در نمونه ورزشکار توسط نهاد یا فدراسیون مدعی صورت گرفت، اصل و یا فرض مسئولیت مطلق ثابت شده و این فرض را ایجاد می‌کند که تخلف دوپینگ توسط ورزشکار صورت گرفته است. بدین صورت، نیاز نیست نهاد و یا فدراسیون مدعی دوپینگ ثابت کند که ورزشکار سوءنیتی در استفاده از این مواد ممنوعه داشته است. آیین‌نامه جهانی مبارزه با دوپینگ تصریح می‌کند که لازم نیست برای مسئول دانستن ورزشکار، او مقصر باشد و صرفاً کافی است در نمونه او ماده ممنوعه یافت گردد. در بند ۱-۱-۲ مجموعه قوانین ستاد ملی مبارزه با دوپینگ ۲۰۲۱ (دارای تأییدیه وادا)، این‌طور آمده است: «در صورتی که هر نوع ماده ممنوعه در نمونه ورزشکار یافت شود، مسئولیت آن بر عهده ورزشکار خواهد بود. بر همین اساس، جهت اعلام و اثبات تخلف ورزشکار از مقررات مبارزه با دوپینگ بر اساس بند ۱-۲، لزومی به ارزیابی و نشان دادن نیت، عمد، قصور، اهمال یا مصرف آگاهانه ورزشکار وجود ندارد». البته، اگر ورزشکار بتواند ثابت کند که در مصرف داروهای نیروزای ممنوعه، عمد و یا تقصیری نداشته است، ممکن است میزان محرومیت او کاهش یابد. برای مثال، میزان محرومیت را از چهار سال به دو سال برساند. با وجود این، تأثیری در فرض تخلف او ندارد (حاصل‌خواه جعفرآبادی، ۱۴۰۲، ص ۹۹).

تمامی مسائل ذکرشده در مورد ضرورت وجود اسناد معنوی در جرائم برای اثبات مسئولیت کیفری و همچنین، عدم ضرورت اثبات عمد و یا تقصیر در مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز جهت اثبات مسئولیت و ضمانت اجرای انضباطی، به این خاطر بود که یادآور شویم چنانچه مبانی یادشده (اصل ضرر، پدرسالاری)، جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز را برای ورزشکاران حرفه‌ای توجیه نماید، با جرم‌انگاری چنین رفتاری، مسئولیت مطلق مدنظر آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ به مسئولیت عمدی تغییر پیدا می‌کند. همان‌طور که پیش‌تر توضیح دادیم، زمانی که رفتاری که قانون‌گذار آن را جرم تلقی نموده، توسط فردی نقض می‌گردد، برای تحقیق مسئولیت کیفری لازم است اسناد معنوی (عمد و یا تقصیر مرتکب) علاوه بر اسناد مادی ثابت گردد. این مسئله در حالی است که وقتی ورزشکاری مبادرت به نقض مقررات دوپینگ می‌نماید، برای تحقق و تحمیل عواقب رفتار او (مسئولیت)، ضرورتی به اثبات اسناد معنوی، اعم از عمد و یا تقصیر مرتکب در مصرف دارو، دیده نمی‌شود. لذا، با این تفسیر اگر مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز توسط ورزشکاران حرفه‌ای جرم‌انگاری گردد، ما با تبدیل مسئولیت مطلق به مسئولیت عمدی مواجه خواهیم بود که به نظر می‌رسد سیاست مطلوبی نیست چراکه اگر لزوم اثبات و برقراری اسناد معنوی را در رابطه با مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز معتبر بدانیم، بسیاری از ورزشکاران قادر خواهند بود به‌واسطه فقدان ادله مثبت عمد آنان از هرگونه مسئولیتی بگریزند. در نتیجه، با وجود چنین امری قادر نخواهیم بود از روح ورزش صیانت و محافظت کنیم. از طرفی ممکن است برخی بنا بر مبانی عدالت طبیعی مدعی شوند که باید به ورزشکار این اجازه داده شود تا بتواند بی‌گناهی خود را ثابت کند اما تصور می‌شود که لزوم مبارزه عملی با دوپینگ و مواد ممنوعه قادر است استفاده از ضابطه مسئولیت مطلق را توجیه کند.

## ۳-۲-۳- چالش عملی تورم کیفری

پس از ارائه توضیحاتی راجع به چالش‌های نظری که شامل بازدارندگی و تبدیل مسئولیت مطلق به مسئولیت عمدی بود، حال ضروری است تا به چالش‌های عملی جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز بپردازیم. این چالش‌های عملی را می‌توان در دو سطح تورم کیفری و عدم امکان کشف جرم بررسی نمود.

مقصود از تورم کیفری، گوناگونی و ازدیاد عناوین مجرمانه به علت جرم‌انگاری‌های قانونی به دو گونه نظری (تصویب قانون تازه) و عملی (تقویت و استفاده از قوانین قدیمی) است (محفوظی، ۱۳۹۸، ص ۷۴). با این تفسیر، پدیده تورم کیفری، پیامد طبیعی جرم‌انگاری گسترده قانونی درون نظام سیاست جنایی است (جانکی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۶). زمانی که یک کشور برای تقلیل و یا دست کم تثبیت نرخ بزه‌کاری و یا خودداری از تکرار جرم، ضمن پیروی از اهداف کلاسیک مجازات و کیفرها، مبادرت به اعمال تغییرات و تحولات درون قوانین می‌کند (که عموماً برای توسعه محدوده و دامنه جرائم و یا تشدید آنهاست)، آن کشور را با پدیده و معضل تورم کیفری روبه‌رو می‌سازد (شمس ناتری، ۱۳۸۷، ص ۹۵). پس می‌توان چنین گفت که منظور از جرم‌انگاری‌های قانونی، جرایمی است که به موجب آن، اعمال جدیدی به سبب قوانین کیفری، مشمول قانون جزا می‌شود (بیگی و شیرمحمدی، ۱۳۹۸، ص ۷۴).

یکی از دل‌نگرانی‌های اصلی منتقدین جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز، همین امر است که با وجود جرائم کثیری که در قوانین کیفری وجود دارد و اقدامی جهت جرم‌زدایی از آنها صورت نمی‌گیرد، افزودن جرم دیگری بر این سیاهه، چندان مطلوب و منطقی به نظر نمی‌رسد.

## ۴-۳-۲- چالش عملی عدم امکان کشف جرم

یکی از مواردی که قادر است جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز را ناممکن و ناموجه سازد، عدم امکان و یا دشواری کشف جرم است چراکه در موارد بسیار زیادی، کشف مواد ممنوعه در نمونه ورزشکاران، کار بسیار دشواری است؛ آن هم با وجود استفاده ورزشکاران از تکنیک‌هایی برای عدم تشخیص ماده ممنوعه در نمونه اخذشده. این مسئله به حدی است که یکی از ورزشکاران که به‌صورت ناشناس در یک مصاحبه شرکت کرده بود، بیان می‌کند: تنها با دارا بودن علم مصرف داروهای نیروزا، احتمال کشف آن تقریباً نزدیک به صفر است (محفوظی، ۱۳۹۸، ص ۷۵)؛ به همین خاطر، جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز می‌تواند با چالش عدم امکان کشف جرم روبه‌رو گردد (Engelberg et al., 2015). البته نباید ناگفته بماند که در این میان، بسیاری از موارد نقض مقررات دوپینگ با توجه به پیشرفت‌های صورت گرفته در آزمایش نمونه‌ها کشف می‌گردد اما تعداد بسیاری هم کشف نشده و اصطلاحاً وارد رقم انحرافات کشف نشده (رقم سیاه) می‌شود.

## بحث

با توجه به مشکلات مربوط به کشف جرم و همچنین، تورم کیفری و مسائل مربوط به مشکلات نظری نظیر بازدارندگی و تبدیل مسئولیت مطلق به مسئولیت عمدی، جرم‌انگاری دوپینگ (پیشگیری واکنشی) چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. البته، شاید جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز در پرتو اصول و مبانی نظیر اصول ضرر و پدرسالاری حقوقی، تجویز و توجیه گردد اما مهم‌ترین مسئله آن است که همواره هدف از جرم‌انگاری و تصویب یک قانون، اجرای مطلوب آن است. به بیان دیگر، تا زمانی که مشکلات عملی و اجرایی یک قانون شناسایی و مرتفع نگردد، وضع قانون و وارد ساختن یک عمل در قلمرو مقررات کیفری نه‌تنها می‌تواند مشکلی را برطرف سازد و معضلی را حل کند بلکه خود سبب بی‌اعتباری مقررات نزد شهروندان، ازدیاد پرونده و تورم کیفری می‌گردد. در پژوهشی که

در سال ۲۰۲۰ در ورزش بدن‌سازی با در نظر گرفتن و بررسی دو محیط متفاوت در مصرف داروهای نیروزا، یعنی محیط پیشگیری با سیاست تسامح صفر در سوئد و محیط با رویکرد کاهش آسیب در بریتانیا صورت گرفت، رویکرد کاملاً مجرمانه سوئد منجر به استفاده و خرید این داروها به‌صورت زیرزمینی شد تا مشارکت کنندگان از شناسایی شدن در امان بمانند. این امر خود منجر به پیوند مصرف کنندگان داروهای نیروزا با برخی خشونت‌ها و همچنین، شکل‌گیری یک خرده‌فرهنگ مجرمانه در میان بدن‌سازان می‌شد. گرچه یک رویکرد پیشگیری بسیار قوی هم وجود داشت اما استفاده از داروهای نیروزای ممنوعه همچنان صورت می‌گرفت. بدین ترتیب، ممنوعیت‌ها در سوئد به ایجاد خطر برای افرادی که از این داروها استفاده می‌کردند، منجر می‌شد. برای مثال، ممکن بود با شبکه‌های غیرقانونی و مجرمانه عرضه داروهای نیروزا درگیر شده و ایمن نباشند. در مقابل، رویکرد کاهش آسیب بریتانیا منجر به ایجاد محیط متفاوتی شده است که به کلینیک گلاسکو اجازه داد تا به‌صورت رسمی فعالیت کند. از آنجا که این مراکز قانونی هستند، خدمات کاهش آسیب برای افرادی که از داروهای ممنوعه استفاده می‌کنند، به‌راحتی در دسترس بوده و استفاده از آن پذیرفته شده است. در این مراکز، کاهش آسیب خدماتی نظیر ارائه اطلاعات راجع به انواع داروها و دوز مناسب آن، آزمایش خون منظم برای نشان دادن اثرات منفی داروها بر سلامتی و دسترسی به تجهیزات تزریق تمیز وجود دارد. به‌علاوه، هیچ تعاملی با پلیس در این کلینیک‌ها وجود ندارد. این امر خطر درگیر شدن در سیستم عدالت کیفری یا تحمل مجازات مالی یا اجتماعی را کاهش می‌دهد (Henning & Andreasson, 2020).

با دقت در مسائل یادشده در خصوص رویکرد کاهش آسیب در بریتانیا و محیط محدودکننده در سوئد و همچنین، چالش‌های عملی و نظری جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزا می‌توان چنین نتیجه گرفت که اعمال رویکردهای کاهش آسیب در میان بدن‌سازان و آن دسته از ورزشکارانی که مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز به جزء جدایی‌ناپذیری از آن ورزش و زندگی حرفه‌ای‌شان مبدل گردیده، می‌تواند راهکار مناسب‌تری برای کنترل و کاهش مصرف داروهای نیروزا باشد چراکه علاوه بر ارائه اطلاعات لازم در خصوص داروها و دوز مصرف، با گرفتن آزمایش‌های منظم از آن‌ها این ورزشکاران را از تأثیرات داروهای نیروزا بر سلامت جسمشان آگاه می‌سازد. این امر می‌تواند منجر به قطع ارتباط ورزشکاران با شبکه‌های توزیع غیرقانونی داروهای نیروزای ممنوعه و همچنین، کاهش احتمال درگیری آنان در سایر انحرافات گردد. لذا، توسل به راهکارهای کیفری و جزایی واکنشی مانند مجازات و معاقب نمودن ورزشکاران که از رهگذر جرم‌انگاری مصرف چنین داروهایی پدید می‌آید، حداقل در خصوص آن دسته از ورزشکارانی که مصرف داروهای نیروزا در زندگی حرفه‌ای ایشان پذیرفته شده است، مطلوب و کارآمد به نظر نمی‌رسد. در خصوص سایر ورزشکاران حرفه‌ای، با توجه به اینکه ضمانت اجرای انضباطی نهادهای ضد دوپینگ، فاقد قدرت کافی برای کنترل و پیشگیری از مصرف داروهای نیروزا است، شاید با شک و تردید بتوان گفت که ضمانت اجرای کیفری سبب می‌گردد ورزشکاران اقدام به ارزیابی و سنجش ریسک رفتارشان (ریسک ادراک‌شده) داشته و از مصرف داروهای نیروزا منصرف گردند. با وجود این، ذکر این نکته ضرورت دارد که امروزه در اکثر کشورها، حتی کشورهایی که از الگوی کیفری و همچنین، سیاست تسامح صفر و یا نزدیک به آن در برخورد با مصرف داروهای نیروزا پیروی می‌کنند، این اقدامات به‌تنهایی تکافوی کنترل، پیشگیری و مبارزه با مصرف داروهای نیروزا را ندارد. هم‌اکنون تأکید اصلی و اساسی در مبارزه با دوپینگ و مصرف داروهای نیروزا بر پیشگیری مبتنی بر آموزش و پیشگیری مبتنی بر خانواده با الگوهای تربیتی است (رشدمدار-جامعه‌مدار) است. یک مثال از این برنامه‌ها، برنامه SAFEYOU بوده که توسط اتحادیه اروپا با همکاری چند دانشگاه اروپایی تأمین می‌شود. برنامه SAFEYOU، مجموعه‌ای از منابع اطلاعاتی و مواد آموزشی به‌دقت برنامه‌ریزی‌شده است. یکی از برنامه‌های این مجموعه، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای ورزشکاران حرفه‌ای و تفریحی با هدف پیشگیری از مصرف داروهای

نیروزا است که بر یادگیری مسئله‌محور تأکید دارد (Pöppel, 2021). با این تفسیر و با تأکید بر پیشگیری جامعه‌مدار و رشد‌مدار در رویکرد جدید حاکم بر پیشگیری از مصرف داروهای نیروزا، پیشگیری واکنشی کیفری از طریق ارباب ناشی از مجازات و معاقب نمودن افراد، چندان مطلوب و کارآمد به نظر نمی‌رسد (Backhouse, 2015).

### نتیجه‌گیری

نتیجه پژوهش حاضر در خصوص امکان‌سنجی پیشگیری واکنشی (کیفری) از مصرف داروهای نیروزا چنین بیان می‌گردد که اگرچه پیشگیری واکنشی و مبتنی بر ارباب و مجازات که از رهگذر جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزا پدید می‌آید، با اصول و مبانی مشروعی مانند اصل ضرر و پدرسالاری حقوقی همسو و هماهنگ است به‌طوری‌که می‌توان اساس جرم‌انگاری آن را بر مبنای این اصول و مبانی بنا نهاد اما با توجه به وجود اصل کمینه حقوق کیفری<sup>۱</sup>، جرم‌انگاری یک رفتار، زمانی به‌عنوان آخرین ابزار سرکوبگر برگزیده می‌شود که عدم بازدارندگی ابزارهای غیر کیفری و همچنین، بازدارندگی ضمانت اجرای کیفری اثبات گردد. با توجه به مسائل ذکرشده در این پژوهش راجع به عدم تأثیر سیاست تسامح صفر سوئد بر پیشگیری از مصرف داروهای نیروزا، آشکار گردید که امروزه ضمانت اجرای کیفری (جرم‌انگاری)، نه تنها بازدارندگی لازم را در مقابل مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز ندارد بلکه باعث بروز تورم کیفری به علت افزودن عنوان مجرمانه جدید به سیاهه مقررات کیفری و نیز ازدیاد پرونده‌ها درون دادگاه می‌گردد. در ضمن، چنانچه مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز جرم‌انگاری گردد، برای تحمیل آثار و عواقب جزایی رفتار بر مصرف‌کننده این داروها، صرف احراز اهلیت جنایی مصرف‌کننده به‌تنهایی کفایت نمی‌کند بلکه ابتدای مسئولیت کیفری بر پایه اهلیت جنایی، نیازمند وجود تقصیر جزایی عمد و یا تقصیر جزایی غیر عمد جهت برقرارسازی اسناد معنوی است. این امر در حالی است که مطابق مقررات فعلی آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ، وقتی ورزشکاری مبادرت به نقض مقررات دوپینگ می‌نماید، به‌منظور تحقق و تحمیل ضمانت اجرای انضباطی بر او، ضرورتی ندارد عمد و یا تقصیرش (سوءنیت) برای مصرف داروهای نیروزا احراز و اثبات گردد بلکه صرف آلوده بودن نمونه اخذشده از ورزشکار برای تحمیل ضمانت اجرای انضباطی کفایت می‌کند (مسئولیت مطلق). لذا، با جرم‌انگاری مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز (پیشگیری واکنشی)، این مسئولیت مطلق به مسئولیت عمدی تبدیل می‌گردد. در چنین وضعیتی، بسیاری از ورزشکاران قادر خواهند بود به‌واسطه‌ی فقدان ادله مثبت عمد آنان، از هرگونه مسئولیتی بگریزند. در نتیجه، این روش قادر نیست از روح ورزش صیانت و محافظت به عمل آورد.

از دیگر دلایلی که سبب می‌گردد پیشگیری واکنشی (کیفری)، راهکاری مناسب و مطلوب جهت پیشگیری از مصرف داروهای نیروزا به نظر نرسد، موفقیت برنامه‌های پیشگیرانه غیر کیفری مانند پیشگیری رشد‌مدار و پیشگیری جامعه‌مدار در مقایسه با پیشگیری کیفری بوده است. با توجه به مسائل یادشده، پیشگیری واکنشی از مصرف داروهای نیروزا چندان مؤثر و مطلوب به نظر نمی‌رسد.

پیشنهاد می‌گردد برخی از نهادها در ایران مانند کمیته ملی مبارزه با دوپینگ و کمیته ملی المپیک با همکاری وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، برنامه‌های پیشگیرانه جامعه‌مدار در مدارس و دانشگاه‌ها را از طریق مورد هدف قرار دادن گروه‌های جوان و نوجوان مدنظر قرار دهند. به‌عنوان مثال، کلاس‌های تربیت بدنی، فرصت خوب و مطلوبی را جهت آموزش‌های ضد دوپینگ ارائه می‌دهند زیرا برای گروه‌های هدف جوان و نوجوان، بدون توجه به عملکرد ورزشی آن‌ها جذاب است. همچنین می‌توان برنامه‌های پیشگیری مبتنی بر آموزش را افزون بر برگزاری کارگاه‌های آموزشی توسط نهادهای ضد دوپینگ، درون مدرسه و در دروس دانش‌آموزان گنجانند.



## منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۶). جرم‌شناسی پیشگیری (جلد اول). تهران: نشر میزان.
- بیگی، جمال، و شیرمحمدی، جلال. (۱۳۹۸). مبانی و چالش‌های جرم‌انگاری در گفتمان سیاست جنایی قانون آیین دادرسی کیفری. علم و وکالت، ۲(۳).
- حبیبی، یزدان، پاشایی، طاهره، نوری، بیژن، و صحرایی، مادح. (۱۳۹۵). بررسی شیوع مصرف مواد نیروزا و عوامل مرتبط با آن در ورزشکاران بدنساز مرد شهر سمنندج در سال ۱۳۹۴. علوم پزشکی زنکو، ۱۷(۵۵)، ۲۲-۳۱.
- دادبان، حسن، و آقایی، سارا. (۱۳۸۸). بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم. مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، ۳۹(۳)، ۱۴۸-۱۲۵.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۷). درآمدی بر جرم‌شناسی (چاپ اول). پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۴۰۱). کلیات جرم‌شناسی: محتوا و تحول از دیروز تا امروز، نگاه معاصر (چاپ اول).
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، و جاهد، محمدعلی. (۱۳۸۷). عوامل و نتایج تورم کیفری و مقابله با آن. حقوق اسلامی، ۵(۱۷)، ۹۵.
- کوچک‌پور، فاطمه. (۱۳۹۹). بررسی شیوع دوپینگ در بین ورزشکاران رشته پرورش اندام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان.
- محموظی، رضا. (۱۳۹۸). جرم‌انگاری دوپینگ، مبانی و چالش‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- محمودی جانکی، فیروز، (۱۳۸۲). مبانی، اصول و شیوه‌های جرم‌انگاری. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۹). رویکرد جرم‌شناختی به خشونت در ورزش. مجله تحقیقات حقوقی، ۲۹ و ۳۰، ۳۳۲.
- نوبهار، رحیم، و نوبهاری طهرانی، علیرضا. (۱۴۰۱). مبانی پدرسالاری قانونی با نگاهی به نقش آن در جرم‌انگاری. مطالعات حقوقی، ۴(۲).
- هادی تبار، اسماعیل، و مریم، مهری. (۱۳۹۸). تعارض اصل ضرر و اصل آزادی اراده در سقط جنین. نشریه حقوقی دادگستری، ۱۰۵، ۲۱۶.
- حاصل‌خواه جعفرآبادی، رضا. (۱۴۰۲). تحلیل جرم‌شناختی مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز در میان ورزشکاران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- موسوی مجاب، سید درید. (۱۳۸۸). نقش اراده در مسئولیت کیفری با رویکردی به نظام حقوقی ایران. تهران: انتشارات بهنامی.
- Sharifi, A., Mehdizadegan, I., Mehdiabadi, Z., Boroujerdi, S. S., & Yousefi, B. (2015). The relationship of doping with aggression, anxiety and depression in champion athletes of Kermanshah. *Marathon*, 7(2), 207-15.
- Adami, P. E., Koutlianos, N., Baggish, A., Bermon, S., Cavarretta, E., Deligiannis, A., ... & Papadakis, M. (2022). Cardiovascular effects of doping substances, commonly prescribed medications and ergogenic aids in relation to sports: A position statement of the sport cardiology and exercise nucleus of the European Association of Preventive Cardiology. *European Journal of Preventive Cardiology*, 29(3), 559-575.
- Backhouse, S. H. (2015). 19 Anti-Doping Education for Athletes. *Routledge handbook of drugs and sport*.
- Geeraets, V. (2018). Ideology, doping and the spirit of sport. *Sport, Ethics and Philosophy*, 12(3), 255-271.
- Goulet, C., Valois, P., Buist, A., & Côté, M. (2010). Predictors of the use of performance-enhancing substances by young athletes. *Clinical Journal of Sport Medicine*, 20(4), 243-248.
- Ioannidis, G. (2017). The criminalisation of doping in sport: The case for the prosecution. *World sports advocate*, 12-14.
- Kabiri, S., Cochran, J. K., Severson, R., Shadmanfaat, S. M., Rahmati, M. M., & Sharepour, M. (2018). Social and personal controls and performance enhancing drug use: Toward an explanation of doping activity among professional athletes in Rasht, Iran. *Deviant Behavior*, 39(11), 1483-1496D.



- Palmi, I., Berretta, P., Tini, A., Ricci, G., & Marinelli, S. (2019). The unethicity of doping in sports. *La Clinica Terapeutica*, 170(2), e100-e101.
- La Gerche, A., & Brosnan, M. J. (2017). Cardiovascular effects of performance-enhancing drugs. *Circulation*, 135(1), 89-99.
- Mirkin, G. (1984). Death in the locker Room: Steroids and sports. *JAMA*, 252(19), 2771-2771.
- Pöppel, K. (2021). Efficient ways to combat doping in a sports education context!? A systematic review on doping prevention measures focusing on young age groups. *Frontiers in sports and active living*, 3, 673452.

**استناد به این مقاله:** حاصل‌خواه جعفرآبادی، رضا. (۱۴۰۲). امکان‌سنجی پیشگیری واکنشی ناشی از مصرف داروهای نیروزای غیرمجاز به‌وسیله ورزشکاران در حقوق کیفری ایران. *فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق*، ۳(۴)، ۴۳-۵۸.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.